

در جواب میرزا محمد ابراهیم شیرازی

حضرت باب

نسخه اصل فارسی



فی جواب میرزا محمد ابراهیم شیرازی - اثر حضرت
نقطه اولی - بر اساس نسخه در شماره 91، صفحه

170 - 180

تذکر: این نسخه که ملاحظه میفرمائید عیناً مطابق
نسخه خطی تایپ گشته و هرگونه پیشنهاد اصلاحی
در قسمت ملاحظات درباره این اثر درج گردیده
است.

بسم الله الرحمن الرحيم

قبلة محترم دام عزّ کم تلاوت آیات کریمه را نموده ولی چه بسیار عجیب است که اهل بصیرت تابع اقوال
مردم و هوای نفس شوند لاجل اتباع حکم دین من حیث لا یعلمون اگرچه از طریقهء اهل علم دور
است در مقامیکه مخاطب ایشان در امری بلا علم واقع و حجة ظاهر شک نماید او را بجواب مجاب فرماید
ولی از آنجائیکه در مقام عبودیّه و اقمم متحمل غیر طریقه اهل حکمت میشود حکم صاحب این امر از



ORIGINAL

دو مرحله خارج نیست یا حق است فطوری لمن اتبعه باطل فالویل لمن عرفه و أحبه و شکی نیست از برای هر حق و باطل خداوند عالم علامتی معین فرموده که بان تمیز داده شود و این علامه تصدیق و تکذیب ناس نخواهد بود ولی تصدیق اهل عدل حجتی است قوی و لکن امر در تمیز عدول از برای کافه مردم امریست صعب و بهر نفسی و اجبست که بنفسه تمیز حق از باطل را نماید بعد از اثبات این مقدمه شبهه نیست که هرگاه کسی امروز ادعای بر امری نماید که باعث بر انکار جزئی از ضروریات دین نباشد با حجة وافیه بکل عالم فرض است تصدیق حکم او نمایند و به اجماع مذهب امامیه هرگاه امروز حکمی از امام زمان علیه السلم صادر شود و کل اعراض نمایند کافر میشوند زیرا که مناط دین عمل صوم و صلوة نیست بلکه اتباع حکم صادره از خود ایشان است و شبهه نیست که اکثر مردم در مقام اضل از انعام واقع هستند بلکه مؤمن خالص بنص حدیث اقل از کبریت احمر است در این مسئله در عمل حج که خدا میداند عدد او را سه نفر در صحیفه امام عدل مکتوب شده که حکم آن را در خطه بغداد نوشتم سایر اعمال مردم را هم مثل این فرض نمایند تعجب نفرمایند که امر حق ادق و اعظم از این است و اکثر هالك هستند الا ممن شاء الله انه عزیز غفور بعد از فوت مرحوم سید مثل سیدی در میانه طائفه ایشان لابد است که در هر عصر میباشد معذلك از این فتنه خارج نشد مگر همان فقراء از ارض مقدسه هجرت نموده و ایشان در کتاب امام حق اشرف خلق مکتوبند با وجود اینکه بر سبیل ظاهر کسی اعتنای بدیشان ندارد و مرادم از ذکر این فقرات حد خلق است که رشعء عالم باشند حال مردم از کسیکه مدعی امریست حجة میخواهند چه حجة از این عظیم تر است که در عجم خداوند عالم کسی ظاهر فرماید بلسان قرآن که اگر جمیع اهل ارض جمع شوند نتوانند حرفی از کلمات را بفهمند چه جای اینکه بتوانند ایقان بمثل نمایند حال از آنچه ظاهر شده چشم پوشیده سوره که در همین ورقه نازلشده کفایت میکند در حجة بودن آن اهل ارض را هرگاه کل قرآن سوره؟ بود آیا کسی را میرسد که بگوید حجت نیست حاشا و کلا بلکه در حجت بودن این سوره معادل با حکم قرآن و معجزهء جمیع انبیاء و اوصیاء لویتانه بقول اهلهش کوه؟ عجب آنست میدان این گوی صاحب این امر علما اجتماع نموده گوی خود را بمیدان آرند آنوقت صلاهی ای و الله بلند خواهد شد خود شما همیشه قرآن خوانده اید بقدر تلاوت کمی تمیز میدهید بحق خداوندی که خاتم برید او است که اگر جمیع اهل ارض جمع شوند باینکه يك آیه بیاورند عاجز خواهند شد اگر هم چیزی بیاورند کلمات مسروقه خواهد بود نه این است که بر لسان ایشان بر فطرت جاری شود چنانچه در صدر اسلام فصحاء اعراب ادعا نمودند و آخر رو سیاه و نجل شدند حقیر شرح سوره یوسف را در چهل روز که همه روز بعضی از ان مینوشتم اتمام نمودم و هروقت بخوادم هرچه بنویسم روح الله مؤید است مثل صحیفه که فرستادم يك شبانه روز منتهی نوشتم هرکسی از علما مدعی است بسم الله چنانچه اشخاصیکه مشاهده نوشتن را نموده

اند فهمیده اند که چنین امری تا حال از احدی علماء ظاهر نشده بعد از کتاب حجت خداوند بر کل عالم تمام است و اشخاصیکه افتراء بر امام خود میزنند که آیات و صحیفه ماخوذه از کتاب الله و ادعیه است جزاء ایشان با خداوند است از روزی که این امر ظاهر شده عمل کل خلق باطل است الا بعد از تصدیق؟ و این حکم خداوند است هر کس میخواهد تصدیق کند از برای خودش است هر کس هم تکذیب کند عقوبت بخودش میرسد اگر چه مرادم از این فقرات اینست که از بحر اضطراب هوا خارج شده برکن سکون مستقر گردند کلیه اهل بلد را اول قابل ندیدم اظهار کنم بلکه حیف است که بر علم چنین امری غیر اشخاصیکه قابل هستند وارد شوند الان هم سکم بلد مثل قبل است هر کس را تصدیق از تبعیت یکدیگر است آنچه اظهار نمودم تا حال بحکم الدهر انزلی بود و الا کسیکه بر لسان آن حکم شجرهء طور جاری شود لایق نیست این قسم در مقام عجز با عباد الله مجاهده نمایند بحق خداوندیکه لسان مرا باین علوم حجت فرموده که کل خلق امروز در علم نزد من مثل این قلم جمادی است که در ید من هست و عرضم از این مقام اظهار نخریه نیست بلکه هر ذی روحی تمیز میدهد که عالی هرگاه وصف کند خود را از برای رتبه مؤخر ظلم بخود کرده زیرا که آن نمیتواند تمیز امر علا را دهد بلکه آن کتمان اسم اول ملاحظه همین مزخرفات جنود شیطان را مینمودم حال که ظاهر شده حرفی با کسی نیست حجة نزد هر کسی هست کسی هم قادر بر فهمیدن کلمات حقیر نیست که مقصود تدریس و حکم میان خلق باشد همین قدر حظ علما عجز است و حظ عوام تصدیق آنکه اشاره نموده اند که مردم کلمات باطل میگویند ضرری نمی‌رساند اول در حق خداوند گفتند عزیز ابن الله دوم در حق رسول الله گفتند مثل آنچه در حق من گفتند انه لجنون و خداوند عالم بود ایشان نازل فرموده و ما هو الا ذکر للعالمین كذلك در شان آل سلام الله علیهم و این سنة سنة در میادی عالیه با ماست هرچه هم میخواهم فرار کنم چون خداوند عالم مقرر فرموده چاری هیچ وجه خوفی از احدی نداشته باشید که مثل بیت عنکبوت هستند و هرچه خداوند عالم جاری فرموده خیر است و هرگاه نعوذ بالله مردم بنای انکار گذارند محروم خواهند شد از آیات امام شور و حیرت ایشان بجائی نخواهد رسید این و رقه حکم این دایره و اشخاصیست که در مقام طلب هستند و هرگاه خارج شوند همان جوان تاجری که بودم هستم از اشارت صفحهء مقابل تصور نفرمایند که احتیاجی به تصدیق اهل بلد یا نصرت اهل ارض داشته باشم منتهی امر این است که همگی تکذیب نمایند همین قدر که زمانی گذشت کل آیات نازله از ید مقیر مثل قرآن خواهد شد و همه خلق تلاوت خواهند نمود و امروز نزد حکم افضل و ادنی از ایشان سواست سلطان با اخص رعیة در يك صقع است امر حق نجیه بردار نیست هر کس سبقت گرفت فایز شد و هر کس واقف ماند مؤخر ماند الی یوم القیمة و امروز بر کل نصرت امر حق است با عزة تمام حال دو ماه است شرح سوره یوسف در میان خلق است و حال آنکه مثل شمس در وسط السماء ظاهر

است نزد اهل فهم نه خرهای اضل که از جانب حجتی است که مردم در حال سؤال فرح میکردند و هنوز احدی يك نسخهء درست تمام نکرده است أف علیهم ثم أف علیهم چند جزوی که فرستاده بودند از شیراز و يك روز رسید اغلب غلط و در بعضی مواقع تبدیل یافته بملا صادق اخبار نمائید که بعضی آیات آن چون بلا علم و اقعی مبدل شده حجیت نزد خودم ندارد اگرچه از برای مردم يك آیه صحیح آن کافیت و رقاتی که در دست خودم است از آیات همانها حجت است ظاهر در شیراز دزدها خودشان گروه مثل آن سوره فرستاده باشند میگویند صحیفه از ادعیه برداشته شده الان در ورقه دعای بر استعجال نوشته شده که مضمون و عبارش در هیچ دعای نیست و رندان دروغ گو تلاوت نمایند اگرچه نمیفهمند اگر عار و حیا دارند قدری عرق بریزند نسخه همین دعا را باب طلا باحسن خط باحدی بدهند بنویسند و لکن بقسمی که در جزو هفت و رقه نزد کل باشد یکورقه اینها در حجیت کافیت اهل ارض را میگویند خیر مثل سورهء رضوان که اغلب کلمات آن در قرآن نیست همین مطلب را علما نشسته هرگاه توانستند صحیفه صحافی شود و بزودی بجهت صاحب ام فرستاده باشند که میخوانند مداومت بتلاوت بتلاوت آن نمایند ولی چیز قطعه در کاغذ ترمه بسیار ممتاز باشد وقت در صحت و اعراب هم اگر اهل علم هستید تمیز دهید ولی به احسن خط باشد هرگاه ده اشرفی و زیاده خرج آن شود مضایقه ندارم در آیات امام زمان علیه السلام شان گدائی مردود است آنچه ظاهر میشود آخوند ملا صادق در ضعف حرکت مینماید این عمل سزاوار این مقام نیست همین و رقه با دعا بدهند قرائت نمایند تا بر یقین مستقر گردند و بیسوادان و رقه و دعا را نوشته باشند نگاه دارند و بمثل آن نوشته باشید و بجهت میرزا حسن فرستاده باشید الدعاء و انک علی کل شیء شهید و ان ممن باشید و خط ملفوف را مطالعه نموده جواب عفو ملا حسین و نصرت دین است و همین حکم حق است خداوند و اولیاء ان شاهد هستند مسئله رؤیة از من نیست من ادعی الرؤیة فکذبوه بل طریق اخذ حدیث من أحبنا و زاد فی حبنا و أخلص فی معرفتنا الی آخره میباشد و السلام خیر الکلام و الحمد لله رب العالمین